



# پای صحبت جلیل رسولی

شیوه و الگوی تازه‌ای در زمینه خوشنویسی است.

- به خاطر دارم هنگامیکه برای اولین بار پا به مدرسه گذاشتم ، سرکلاس اول ابتدائی، بی‌آنکه هنوز کلمات را بشناسم، حروف الفبائی را که روی مقوا نوشته شده بود و بر دیوار کلاس نصب شده بود نظر مرا جلب می‌کرد. معلم درس می‌داد و من در تمام ساعت کلاس به این کلمات خیره

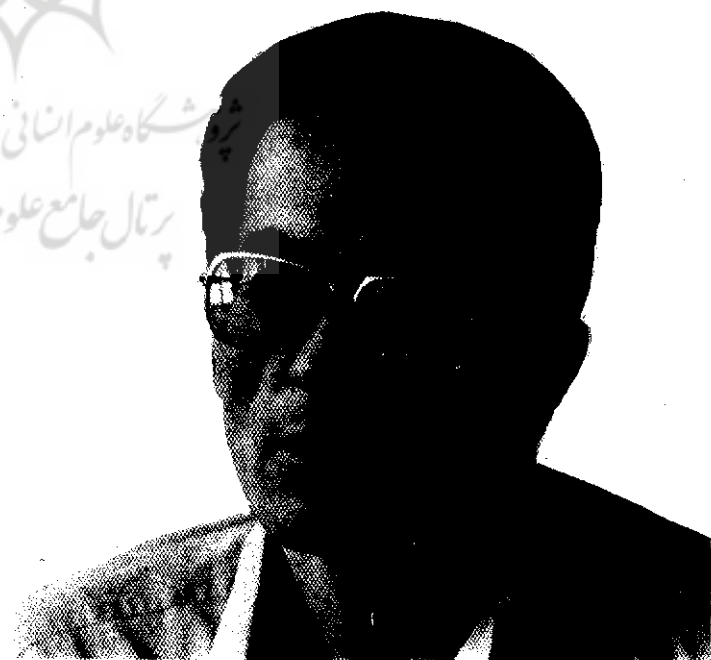
جلیل رسولی هنرمند خطاط معاصر در سال ۱۳۲۶ در شهر همدان به دنیا آمد. وی از دوران نوجوانی به کار خط پرداخت و در طی سالها فعالیت و تلاش در زمینه خوشنویسی تا به امروز موفق شده است سیزده نمایشگاه از کارهای مختلفش را به نمایش بگذارد.

رسولی از معدود خطاطان پرکار و صاحب ذوق است و همه‌گاه در تلاش یافتن



پرتال جامع علوم انسانی  
مجله علمی پژوهشی گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

می‌شدم. برایم جالب بودند، شوق داشتم نگاهشان کنم، این خاطره ساده هرگز از ذهن من دور نمی‌شود: یاد اولین برخورد من با کلمات. در طول دوره مدرسه بر خلاف همکلاسی‌هایم من از مشق نوشتن لذت می‌بردم. اغلب بیشتر از آنچه معلم گفته بود مشق می‌نوشتم. در دوره تحصیلات ابتدایی بی‌خاطر دقتی که در نوشتن مشق و املاء بخرج می‌دادم، همه‌گاه مورد تشویق قرار می‌گرفتم



سال اول دوره دبیرستان که حجم درسها بیشتر شده بود، من سرکلاسهای مختلف، تمام فکر و ذکرم تمرین خط بود، خوب یاد دارم سرکلاس انگلیسی معلم که مردی دلسوز بود وقتی می دید من به جای استفاده از کلاس، تمرین خط می کنم مرا به یاد انتقاد میگرفت و از کلاس بیرون می انداخت. فکر می کرد بازیگوشی می کنم غافل از آنکه من به دلیل عشق و علاقه ای که به کار خطاطی داشتم، نه تنها سرکلاس او که در کلاسهای دیگر نیز برای خودم سیاه مشق می نوشتم دست آخر روزی برایش اقرار کردم او هم قبول کرد و بعد تشویق نمود که دنبال این هنر را بگیرم. یادم هست آخر سال که پدرم برای اطلاع از نتیجه امتحانات به مدرسه آمده بود، همان معلم انگلیسی به پدرم گفت تشویقش کنید دنبال کار خط را بگیرید. پدرم با ناراحتی در جواب او گفت من دوست دارم درس بخواند و سربار جامعه نشود. اما من از همان سال ترك تحصیل کردم. از آن به بعد جسته و گریخته به کار طراحی تابلو پرداختم. کنار دست استاد کارها مشغول کار شدم، در این مدت هم تمرین خط می کردم و هم معاش زندگی را تأمین می نمودم. با این همه خودم را خیلی تنها احساس می کردم. اغلب در دوره خانواده مورد شماتت پدر و نزدیکان بودم آنها مرا به خاطر ترك تحصیل مورد انتقاد قرار می دادند، اما رفته رفته با تسلطی که من در کار خط پیدا می کردم، انتقادها جایش را به تشویق می سپرد. شاید آنها حق داشتند که چنین واکنشی نشان دهند، زیرا در خانواده ما، من اولین کسی بودم



که به کار خط روی آورده بودم.

\* \* \*

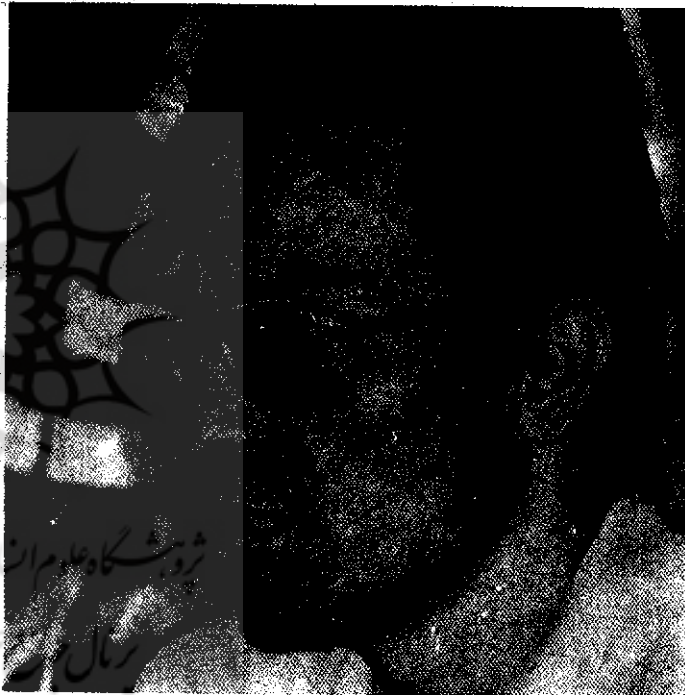
- در طی نخستین سالهای ترك تحصیل کارمن بیشتر جنبه تجربه‌آموزی داشت، تلاش می‌کردم از تجربه دیگران سود جویم هدف و کار مشخصی نداشتم. در طی این مدت که هفت سال طول کشید، من با خط هم زندگی کردم و هم گذران زندگی. برای چاپخانه‌ها و مؤسسات تبلیغاتی خط می‌نوشتم. با تمامی این احوال می‌دانستم که سرانجام باید شیوه‌ای اصولی و جدی برای کارم در نظر بگیرم. راضی نبودم، با آنکه اغلب شبانه روز کار می‌کردم، اما کارهایم مرا راضی نمی‌کرد. در این زمان نزد مرحوم زرین خط رفتیم. استاد آدم کم حرف اما پر حوصله‌ای بود، مدتی پیش او تعلیم خط دیدم تشویق‌های گه‌گاه مرحوم زرین خط که اولین مربی من بود، در کارم اثر زیادی گذاشت.

- بعد به انجمن خوشنویسان رفتیم و در آنجا بود که با استاد حسین میرخانی آشنا شدم، خدا بیامرزدش خیلی با روی خوش مرا پذیرفت. مدت زمان کوتاهی نگذشته بود که برای تعلیم خط به کلاس استاد حسن میرخانی رفتیم. او هم انسان وارسته و دلسوزی بود. نه تنها برای من، بلکه برای سایر کسانی که شوق تعلیم و یادگیری داشتند، زحمت‌ها و تلاش‌های بیدریغ استاد را هرگز فراموش نمی‌کنم. یادم هست وقتی کار خوبی به استاد ارائه می‌نمودم، می‌گفت رسولی به سمت قسم که خوب نوشته‌ای. و با این جمله نهایت رضایت و تشویقش را نشان می‌داد.

\* \* \*



- در طول چهار سال تعلیم خط در انجمن خوشنویسان استاد حسن میرخانی به من قواعد خط را آموخت. بعد از چهار سال موفق به دریافت دیپلم ممتاز از انجمن خوشنویسان شدم. در انجمن سوای استاد حسن میرخانی با کاروشیوه اساتید دیگری چون خروش، بوذری و جواد شریعتی آشنا شدم. این برخوردها و آشنائی‌ها کمک مؤثری در پیشبرد و تکامل کار من بود. و احساس اینکه بایست فعالیت



و حرکت تازه‌ای در کار خط را شروع کنم درمن ایجاد کرد.

\*\*\*

- از این زمان به بعد در کنار فعالیت برای تامین معاش اوقات فراغت را به تهیه کارهای مجزا از کارهای قبلی پرداختم و اولین نمایشگاه از کارهای خط خود را برپا کردم. این کارها چندان استقلال نداشتند بیشتر تأثیرپذیری از کارهای دیگر این بود

اما برپائی اولین نمایشگاه دلهره و وحشت من از برخورد، با اظهار نظرها و عقاید جامعه کاسته شد. مردم با بزرگواری تشویق کردند بعد از نمایشگاه اول با دقت بیشتری کار را دنبال کردم. بهمین دلیل در نمایشگاه دوم راضی‌تر بودم. سرانجام در سومین نمایشگاه شهادت جدا کردن شیوه کارم را از دیگران پیدا نمودم. در قفل و بند و سوار کردن حروف این حرکت تازه در کار من مؤثر افتاد و پایه‌های نخستین استقلال در کار خط را در من پی‌ریزی کرد.

- احساس اطمینان تازه، ضرورت مطالعه و شناخت سهم و شیوه استادان خط در گذشته را در من دوچندان کرد. به کارهای گذشتگان روی آوردم. میرعماد حسنی که سرآمد همه خطاطان در کار نستعلیق به شمار می‌رود، چنان شیفتگی و تأثیری در من گذارد که از آن‌پس در کار نستعلیق این استاد بی‌همتا را الگوی خود قرار دادم. از آن‌پس تا به امروز آرزوی رسیدن به مهارت هرچند نسبی چون میرعماد را دارم. در شکسته نستعلیق عبدالمجید درویش را الگو قرار دادم. این شیفتگی و تأثیر سبب گردید که از آن‌پس بیشترین تلاش را در این دوشیوه بنمایم.

\*\*\*

- در شیوه نستعلیق و شکسته نستعلیق تلاش و تمرین جدی و پیگیری را دنبال کردم. در این زمان رنگ راهم در کارهایم به یاری گرفتم، اما با دلهره و تردید. بسیاری بر من تاختند که تو با استفاده از رنگ بر اصالت خط لطمه می‌زنی. خط را تنها باید بر مرکب نوشت. اما خودم لاقط بر صمیمیت کاری که می‌کردم اعتقاد داشتم. چندان از این انتقادات جا خالی نکردم، چرا که هرگز

دنبال کرده‌ام . این مهم در کار من اثرات  
ثمربخشی داشته است.

\* \* \*

از سوی دیگر تجربه کتابت را بگونه‌ای  
جدی در کار در زمینه اشعار شیخ محمود-  
شبستری در گلشن راز دنبال نمودم. کتابت  
این دیوان که در حدود سیصد و پنجاه صفحه  
به چاپ رسید کمتر از یکسال کار برای من  
بدنبال داشت . کتابت اشعار شیخ محمود

نمی‌خواستم حرمت و اصالت خط را فدای  
رنگ نمایم . من بدنبال یافتن تجربه‌های  
تازه بودم و دیگر سیاه‌مشق تنها نمی‌توانست  
مرا راضی کند.

\* \* \*

- از زمانی که رنگ را بطور جدی در  
کار خط قرار دادم، همه وقت با دو برخورد  
و اظهار نظر روبرو بودم. عده‌ای مرا در ادامه  
این راه تشویق کردند و گروهی رنگ را  
دست‌آویزی برای نفی تلاش‌های من در  
خوشنویسی قرار دادند . مسلم است اگر من  
رنگ را بیاری نمی‌گرفتم، می‌بایست تلاش  
بیشتری در ارائه هر چه زیباتر کردن خط  
می‌کردم، اما این نکته را هم از یاد نباید  
برد که رنگ هرگز پوشش ضعف کار من در خط  
نبوده است. رنگ یاری رسان من در طرح  
کلمات بوده. این انتقادات بیشتر از زمانی  
اوج گرفت که گروهی از نقاشان کلمات را به  
بازی گرفتند . اما راه‌ها از هم جدا بود. یک  
کلمه شاید بتواند نقشی تزئینی در یک تابلو  
نقاشی دارا باشد ، اما کار من استفاده از  
کلام در زمینه رنگ بود نه کلمه.

- من فکر می‌کنم برای یک خطاط شاید  
مهمترین انگیزه در خوشنویسی انتخاب بجا و  
شایسته گزیده‌های متون و اشعاری باشد که  
بتواند هم در خطاط وهم در دیگران ایجاد  
آرامش و معنویتی خاص کند . به عبارت  
دیگر سبب انتقال هر چه بهتر معانی پر بار  
و مؤثر گردد. چرا که خطاطی هنری است که  
هرگز ابهامی به همراه ندارد. هنر خوشنویسی  
آشکار است . من از همان آغاز بامدد از متون  
مقدس قرآن مجید و گزیده‌هایی از سخنان  
گهربار حضرت محمد (ص) و حضرت علی  
(ع) و اشعار عرفانی و پیرمعنی خوشنویسی را

شبستری را به شیوه نستعلیق دنبال کردم  
این کتاب در پانصد نسخه به چاپ رسید  
و به همین دلیل خیلی‌ها از چاپ آن بی‌خبرند.

\* \* \*

- بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران  
من نیز به سهم خود تلاش کردم تحولی  
اساسی در کارهایم ایجاد کنم . و ادای  
دینی به جامعه و انقلاب نمایم. نخستین  
گام را در تهیه یکصد تابلو از شعارها و

گفتار مردم در طول به ثمر رسیدن انقلاب برداشتم . هدف اصلی من ارج نهادن بر این گفتار و شعارها بود. نمایشگاه سیاه‌مشق‌های انقلاب که در فرهنگسرای نیاوران برپاگردید حاصل این تلاش به شمار می‌رود.

\*\*\*

- شبهای عزیز و فراموش‌نشدنی دوران



مبارزات حق‌طلبانه مردم مسلمان ماکه بر پشت‌بامها الله اکبر می‌گفتند هرگز از ذهن و اندیشه من دور نمی‌شود. طنین ایمن صداهای مهیج درمن اثرات معنوی پربراری به جای می‌گذاشت . اندیشه ثبت این واژه مقدس مدتها ذهن مرا به خود مشغول داشته بود . همیشه از خدا می‌خواستم مرا در راه

خوشنویسی این واژه مقدس یاری دهد . سرانجام کار خطاطی واژه الله اکبر را شروع کردم. عده‌ای مرا هشدار می‌دادند که شاید کار به یکنواختی بیانجامد . اما به یاری خدا هر بار که قلم دست گرفتم، نیروئی تازه در خود احساس کردم. نیروئی در راه یافتن به شکل و فرم جدید، شاید گزافه‌گوئی باشد اما من هنوز در این واژه مقدس در نرسد امکان تجربه‌های جدید می‌بینم. وقناعت به یکصد تابلو که در این زمینه خطاطی کرده‌ام نمی‌کنم

- نمایشگاه سیمرغ آخرین نمایشگاهی است که از کارهای من برپا شده. در این راه من با استفاده از اندیشه شیخ عطار در داستان عرفانی سیمرغ در رسیدن به حق و حقیقت با مدد گزیده‌هایی از سخنان مولای متقیان علی (ع) برای نخستین بار عربان و آشکار خط و نقاشی را درهم ادغام کردم پرندگان را بدلیل ضرورت بیان اندیشه عطار در فرم‌های مختلف کشیدم و در زمینه آنها برای نخستین بار با یاری از شیوه ثبت کار رادنیال کردم. خط ثبت با انعطاف‌پذیری بسیاری که دارد، مرا در بیان آنچه در اندیشه داشتم مدد رساند. بعد از این نمایشگاه دگر بار تجربه در سایر شیوه‌ها را بگونه‌ای جدی دنبال کرده‌ام این بار نقاشی خواهم کرد که از کاربرد رنگ کمتر استفاده کنم . امیدوارم به یاری خدا نمایشگاه آینده من نموداری از شیوه‌های مختلف خوشنویسی از گذشته و حال باشد.

\*\*\*

- هیچ هنرمندی تا آخرین زمان زندگی نسبت به هنرش قانع نیست. همیشه تلاش در پیشبرد کارش دارد. من هم به سهم خود این تلاش و عدم رضایت را داشته‌ام



همیشه اولین داور وقاضی کارهایم خودم بوده‌ام بعد از اتمام کار و برپائی نمایشگاه خط ، دقیقاً جنبه‌های خوب و لغزش‌ها را می‌بینم و درك می‌کنم . سپس تلاش تازه‌ای را آغاز می‌نمایم . من با اطمینان می‌توانم بگویم تا آخر زندگی‌م همیشه همان احساسی



هنر خطاطی برداشته‌ام ، مدیون ایثار و یآوری همسر فداکارم هستم . از خدای متعال توفیق او را آرزو می‌کنم.

را نسبت به خط دارم که سالهای شروع کارم داشتم : احساس یادگیری ، تجربه و تلاش .

\* \* \*

خارج از بحث و گفتگو من وظیفه دارم سهم والای همسر دلسوزم را در پیشبرد کارهایم مطرح کنم . اگر کارهای من حاصلی داشته است ، اگر من گامی در پیشبرد